

معاني الحروف واستعمالاتها وبيان أهميتها في اللغة الفارسية (حروف الربط انموذجاً)

المدرس : مهدي احمد حسين الطائي
ماجستير لغة فارسية- ترجمه لغة فارسية
رئاسة جامعة ديالى-قسم الشؤون الادارية
malzawy948@gmail.com

(مُلخَصُ البَحْثِ)

في كثير من الأحيان لا تنتهي الجملة الفارسية بنقطة بصورة سريعة؛ بل إنها تتصل مع غيرها من الجمل بوساطة كلمة، أو حرف ما . بمعنى آخر يمكن القول بعد الانتهاء التام من الجملة، واستكمال معاني الجمل الأساس واللاحقة، قد يتم ربط الجملة الفارسية بالجملة التالية باستعمال واحدة من أدوات الربط. ولأن هذه الأدوات؛ أعني أدوات الربط لها أثر مهم في اللغة الفارسية من جهة بيان معنى الجملة، و تفسير النص؛ فقد اكتسبت البحوث العلمية التي كتبت في هذا الميدان أهمية كبيرة.

من هنا عكف الباحث على شحذ همته ، وبذل كل ما يستطيع في سبيل توضيح ماهية هذه الحروف، واستعمالاتها في اللغة الفارسية؛ معتمداً في ذلك على ما جاء في كتب قواعد اللغة الفارسية، والمصادر الأخرى ذات الصلة بهذا الموضوع. وقد تضمن البحث مطلبين رئيسين؛ الأول : نظرة عامة إلى أنواع الحروف، وتعريفها، وبيان أهميتها في اللغة الفارسية. أما الثاني فكان عن حروف الربط، وبيان معانيها، واستعمالاتها في اللغة الفارسية. من جملة النتائج التي توصل إليها البحث؛ أن الحروف في اللغة الفارسية تنقسم على أربعة مجموعات ؛ الأولى : حروف الدلالة، والثانية : حروف الاضافة، والثالثة : الأصوات، والرابعة : حروف الربط.

ومما لا شك فيه أنه قد كتبت تعاريف كثيرة لبيان ماهية و طبيعة واستعمالات أدوات الربط؛ من بينها: هي كلمة تستعمل لربط كلمتين، أو جملتين، أو عبارتين بعضهما البعض الآخر، وبيان نوع العلاقة بينهما؛ سواء أكانت علاقة شرطية، أم زمانية، أم تقابلية. كما أن حروف الربط تنقسم على وفق معناها واستعمالاتها على مجموعات عدة؛ هي: الربط الزمني، الربط السلبي، الربط التبادلي، والربط السببي، والربط الهدف، والربط المتزايد، والربط الشرطي، الربط التقابلي، والربط الاستثنائي .

الكلمات المفتاحية: معنى ، استعمالات ، الحروف ، اللغة الفارسية ، حروف الربط .

معنی و کاربرد حروف در زبان فارسی (حروف ربط بعنوان نمونه ای)

م: مهدی احمد حسین طائی

ریاست دانشگاه دیالی - رشته امور اداری

ایمیل: malzawy948@gmail.com

چکیده

در بسیاری مواقع ، جملات فارسی به سرعت به نقطه ختم نمی شود، بلکه بواسطه یک عبارت یا یک واژه ، به جمله بعد متصل شود . به دیگر سخن ، می توان گفت پس از پایان کامل یک جمله و اتمام معانی جملات پایه و پیرو، ممکن است جمله فارسی با استفاده از این روابط به جمله بعد پیوند بخورد . کتابت پژوهش علمی در باره حرف های ربط در زبان فارسی از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد ؛ چرا که این حروف در زبان فارسی از نظر تبیین معنای جمله و تأویل متن نقش مهمی دارد. این پژوهش علمی در باره حرف ها در زبان فارسی بویژه حروف ربط که از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد ؛ چرا که این حروف در زبان فارسی از نظر تبیین معنای جمله و تأویل متن نقش مهمی دارد. از این جهت بنده همت گماشتم ، و سعی خود مبذول نمودم ؛ تا این حرف ها را و کاربرد آن ها در زبان فارسی با استناد به کتاب های دستور زبان فارسی و دیگر منابع متخصص در این زمینه ارائه کنم.

پژوهش حاضر از دو مطلب تشکیل یافته است ؛ اول : نگاه عمومی به انواع حرف ها و تعریف آن در زبان فارسی اختصاص یافته است ؛ دوم : برای بیان مهمترین حروف ربط و کاربرد آنها بوده است . از میان مهمترین یافته های پژوهش ؛ حروف را به چهار دسته می توان تقسیم کرد ؛ حروف نشانه ، حروف اضافه ، اصوات ، و حروف ربط . تعاریف زیادی برای توضیح معنی و کاربرد حروف ربط ارائه داده است ، از جمله ؛ حرف ربط کلمه ای است دو کلمه ، یا دو جمله یا دو عبارت را به هم پیوند می دهد ، و رابطه شرطی، زمانی، تقابلی و ... آنها را نشان می دهد . واگرحروف ربط را برطبق معنی و کاربردشان طبقه بندی کنیم ، معانی و کاربردهای زیادی ایفا می کنند ، از جمله : حروف ربط زمانی،حروف ربط سلبی،حروف ربط جانشینی،حروف ربط علت،حروف ربط هدف،حروف ربط افزایش،حروف ربط شرط ،حروف ربط تقابل و حروف ربط استثنا است. کلید واژگان : معنی ، کاربرد ، حروف ، زبان فارسی ، حروف ربط .

پیشگفتار

حمد سزاور خدای متعال و نماز و سلام دایمین بر پیغمبر رحمت محمد صلی الله علیه و آله وسلم اما بعد : این بحث مختصر در باره حروف در زبان فارسی و اهمیت آن بویژه حرفهای ربط بوده است . بی هیچ گمان همه می دانند که گاهی دو جمله مستقل در پی هم بیایند ، و بر حسب معنی با هم بپیوندند . و گاهی دیگر با واسطه کلمه ای که آن را (حرف پیوند) لا ، یا (حرف ربط) می نامیم با یکدیگر پیوند بیابند . یکی از دلایل طولانی بودن برخی جمله های فارسی استفاده فراوان از حروف ربطی در این زبان است . در بسیاری از موارد جملات فارسی به نقطه ختم نمی شوند ؛ بلکه با یک حرف ربط به جمله بعد متصل می شوند؛ به همین دلیل گاه طول این جملات ، به یک پاراگراف می رسد .

این موضوع برای دانشجویان و خوانندگان که قصد دارد یک متن را بخوانند مشکلاتی ایجاد می کند . هر چند این حروف از لحاظ ظاهری کوچکند و ممکن است نقش آنها ناچیز انگاشته شود، نا آشنایی با معانی و کاربردهای آنها می تواند خواننده را در سر در گم کند . گفتنی است که حروف ربط در زبان بسیار بسیاراند و شاید هیچ کس نمی تواند همه آنها را در یک پژوهش مورد بحث و بررسی قرار بگیرد .

از این جهت این بحث متضمن پیشگفتار و دو مطلب عمده ای و خاتمه است ، مطلب اول از انواع حروف در زبان فارسی و معنی و اهمیت آنها است . دوم : در باره معنی و کاربرد حروف ربط ایت و در خاتمه باحث به مهمترین نتایجی که بحث بدان رسیده اشاره نموده است .

مطلب اول : نگاه عمومی به انواع حروف در زبان فارسی ، و معنی و اهمیت آنها :

با از اینکه حروف از لحاظ ظاهری کوچک هستند ، و شاید نقش آنها هم ناچیز انگاشته شود ، و معنی مستقلی ندارند ؛ ولی آوردن آنها برای ساختن جمله بسیار لازم و ضروری است . حروف گاهی برای تعیین مقام کلمه در جمله بکار می رود ؛ مانند حرف (را) در جمله زیر است : (کتاب را خریدم) که کلمه (کتاب) در آن مفعول آمده است . گاهی برای باز بستن دو کلمه بکار می رود مانند : (و) در جمله زیر (من و فریدون به گردش رفتیم) که دو کلمه (من) و (فریدون) را به هم ارتباط داده است . و گاهی دیگر برای بیان نسبت به کار روند مثل : (از) ، و (تا) ، و (با) در جمله زیر : (از تهران تا تجریش با اتوبوس می رویم) ؛ که برای بیان نسبت کلمات (تهران) ، و (تجریش) ، و (اتوبوس) به جمله بکار آمده است . حرف (که) در جمله (می خواستم که صبح زود برخیزم) دو جمله (می خواستم) ، و (صبح زود برخیزم) را به هم ربط می دهد . (خانلری، ۱۳۸۶، ص. ۷۲).

از این جهت زبان دانان ، و پژوهشگران تعاریف زیادی برای توضیح و بیان معنی حروف ارائه داده اند ، از جمله : حروف کلماتی هستند که خود به خود معنی مستقلی ندارد ، اما برای پیوستن اجزای یک جمله به یکدیگر یا نسبت دادن واضافه کلمه ای به جمله ، یا ربط دادن دو جمله به یک دیگر بکار روند. (خانلری، ۱۳۸۶، ص. ۷۳).

نقش نماها یا حرف ها ، تکواژها یا واژه ها یا گروه هایی هستند که معنی مستقلی ندارند و فقط برای پیوند دادن گروهها یا کلمه ها یا جمله ها به یک دیگر یا نسبت دادن کلمه ای به کلمه ای یا کلمه ای به جمله یا نمودن نقش کلمه در جمله به کار روند. (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۵۸) حرف ها را به چهار دسته می توان تقسیم کرد به شرح زیر :

۱- **حروف نشانه** : به کلماتی می گوئیم که برای تعیین مقام کلمه در ساختمان جمله به کار می روند. (خانلری، ۱۳۸۶، ص. ۷۸) حرف های نشانه عبارتند از: را، ای، ا، یا، کسره اضافه (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۸۰).

الف : حرف نشانه را: این حرف همیشه همراه مفعول مستقیم در جمله نوشته می شود، مانند دل را به کف هر که نهم باز پس آرد کس تاب نگهداری دیوانه ندارد (پژمان بختیاری)

اما باید به این نکته اساسی توجه کنیم که اگر مفعول شناس باشد، از حرف (را) استفاده می کنیم ، و اگر غیر از این میباشد ؛ یعنی مفعول ناشناس یا اسم ناشناخته یا گروه اسمی ناشناخته باشد ، از حرف را استفاده نمی کنیم (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۲).
ضمایر و صفات مبهم مانند : همه، هیچ کس، بعضی، اگر مفعول مستقیم باشند ، همراه (را) نوشته می شوند، مانند: من هیچ کس را نمی شناسم. یا: آنها همه را دعوت کردند. یا: او بعضی از دانشجویان را دعوت کرد. بعضی از ترکیب های اسم و صفت اگر مفعول مستقیم باشند نیز همراه (را) نوشته می شوند. مانند: آنها میز اول را انتخاب کردند. یا: او اتاق تاریک را ترک کرد.

ب : حرف نشانه ای) : نشانه ندا در اول کلمه است ، و کلمه بعد از آن، نقش منادایی دارد، مانند:

ای خواجه نمی بینی این روز قیامت را این یوسف خوبی را این خوش قد و قامت را (غزلیات : مولوی)

ت: حرف نشانه (ا) : برای ندا به آخر کلمه افزوده می شوند. مانند: خدایا ! جانان ! وزیرا.
ث : حرف نشانه (یا) : که در اول کلمات عربی می آید و نشانه نداست و کلمه بعد از آن، منادا است (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۸۱). مانند: یارب ، یاعلی ، یاحسین.

ح: حرف نشانه کسره : که نشانه ارتباط اسم با متمم اسم (مضاف و مضاف الیه) است و هرگاه کلمه به یکی از مصوت‌های (زیر، آ، او، ای) ختم شده باشد (ی) تلفظ می‌شود. مانند: باغ شهر، و خدا-ی- جهان، و کوچه - ی- باغ. زانو-ی- شتر، ساق-ی- کوثر. و نیز همین حرف ارتباط اسم را با صفت (موصوف و صفت) نشان می‌دهد (خانلری، ۱۳۸۶، ص. ۷۸). مانند: باغ بزرگ، خانه-ی- احمد. سبو-ی- تهی.

۲- حروف اضافه : کلماتی هستند که معنی مستقل ندارند؛ اما کلمه یا عبارتی را به یکی از اجزای جمله می‌پیوندند، عبارت، یا کلمه ای را که اسم یا ضمیر است، متمم اسم یا صفت یا فعل قرار می‌دهند. حرف اضافه بیشتر برای ساختن متمم فعل به کار می‌رود (خانلری، ۱۳۸۶، ص. ۷۴).

حرف اضافه از نظر ساختمان به دو شکل است :

الف: حرف اضافه ساده: از مهمترین آنها با، به، برای، تا، در، مانند: مثل، بدون، جز، غیر، مگر، - اضافه. برای نمونه: او با پدرش به مدرسه رفت. یا: دوستم مانند برادرم بود (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۶-۱۱۷).

ب: حرف اضافه مرکب: به این حروف، حروف اضافه غیر فعلی هم گفته می‌شود. چون این حروف با هیچ فعل خاصی استفاده نمی‌شوند. این حروف در جمله همراه (اسم) یا (مصدر) می‌آیند (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۹). مهمترین این حروف عبارتند از: به محض، بدون، بعد از، قبل از، به جای، در عوض، به عوض، به علت، به دلیل، به خاطر، در نتیجه، به منظور، به خاطر، با هدف، مانند: به محض رسیدن ما به خانه، مهمان‌ها از راه رسیدند. یا: بعد از رفتن کارمندان، نگهبان درها را می‌بندد.

۳- اصوات: دسته از حروف برای بیان حالت روحی گوینده. مانند: تحسین، شادی، تعجب، افسوس، درد و قصد بر حذر داشتن، و مانند آنها بکار می‌روند (خانلری، ۱۳۸۶، ص. ۷۷). مانند: آه از آن که با مردم هشیار چه کرد؟ یا: وه که جدا نمی‌شود نقشت و از خیال من. یا: زنهار قول دشمن و بدخواه نشنوی.

این دسته از حروف شبه جمله هم مینامند، از آنجا که شبه جمله‌ها مفهومی همچون مفهوم جمله کامل دارند، آنها را به این نام نامیده‌اند؛ چنانچه (آه) یعنی: (درد می‌کشم) یا (چه قدر بد است) یا (چه قدر مایه تأسف است) و نظایر آنهاست (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۵۰). هر گاه این حروف به معنی افعال باشند همچون افعال داری مفعول و متمم شوند (استاد، ۱۳۶۶، ص. ۲۱۱). مانند:

زینهار از دهان خندانش و آتش لعل لب دندانش (سعدی)

۴- **حروف ربط** : بر همه پنهان نیست که دو جمله مستقل ممکن است در پی هم بیایند و بر حسب معنی با هم پیوندند، چنانکه در دو جمله ذیل است (خانلری، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۹): حسن زودتر از وقت به دبیرستان آمد. هنوز در بسته بود. ولی در بیشتر موارد برای ربط دو کلمه یا دو جمله از حروف ربط استفاده می شود. از این جهت حروف ربط از اهمیت زیادی در زبان فارسی برخوردار هستند؛ و توجه زیاندانان و پژوهشگران به خود جلب کرده است. و تعاریف زیادی برای توضیح آن ارائه داده اند، از جمله آنهاست: حرف ربط کلمه ای است که دو کلمه یا دو جمله یا دو عبارت را به هم پیوند می دهد و رابطه شرطی، زمانی، تقابلی و ... آنها را نشان می دهد (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۴). و حرف ربط یا پیوند، کلمه ای است که دو کلمه همگون یا دو عبارت یا دو جمله را به هم می پیوندد و آن ها را همپایه و هم نقش می سازد و یا جمله ای را به جمله دیگر می پیوندد و دومی را وابسته اولی قرار می دهد (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۵۸). و حرف ربط کلمه ای است که دو کلمه یا دو جمله را به هم ربط می دهد (خانلری، ۱۳۸۶، ص. ۷۷). مانند: کاغذ و قلم را از روی میز برداشتم، رفتم که بخوابم، دیروز نیامدم زیرا که بیمار بودم. و حرف ربط یا (پیوند) کلمه ای است که دو عبارت یا دو کلمه را به یک دیگر ربط و پیوند دهد (استاد، ۱۳۶۶، ص. ۲۰۶). حروف ربط از نظر جایگاه و نقشی که در جمله دارند، میتوان به دو دسته حروف ربط وابسته و حروف ربط همپایه تقسیم کرد.

حروف ربط وابسته در جمله های مرکبی می آیند که شامل دو قسمت پایه و پیرو هستند. و این حروف در ابتدای جمله پیرو می آیند. حروف ربط هم پایه در جمله هایی می آیند که از دو جمله مستقل تشکیل شده اند (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۴). مانند: برای اینکه او را ببینم، به سفر رفتم. می خواستم او را ببینم، بنابراین به سفر رفتم. در جمله اول (برای این که او را ببینم) جمله پیرو است و معنی کاملی ندارد. اما در جمله دوم، هر دو جمله، یعنی (می خواستم او را ببینم) و (به سفر رفتم) جمله های کاملی هستند و حرف ربط (بنا بر این) برای ارتباط این دو جمله آمده است. (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۴).

قصد ما از جمله پایه و پیرو این است که در زبان فارسی به جمله اصلی (پایه) و به جمله مکمل (پیرو) گفته می شود و مجموع جمله متشکل از پایه و پیرو (جمله مرکب) نامیده می شود. می توان گفت که جمله پیرو همواره یکی از اجزاء جمله پایه را توصیف کرده، یا حالت آن را بیان می کند یا به طور کلی معنای آن را توسعه می بخشد (ناظمیان، ۱۳۸۹، ص. ۵۰).

مطلب دوم: معنی و کاربرد حرف های ربط در زبان فارسی :

همه زبان دانان و پژوهشگران و متخصصان، حروف ربط را از نظر ساختمان به دو گروه تقسیم کردند: حروف ربط ساده و حروف ربط مرکب. حروف ربط ساده دسته ای از حروف یا کلمات که دو کلمه یا دو جمله را به هم ربط می دهد (خانلری، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۵). مشهورترین حروف ربط ساده عبارتند از: اگر، اما، باری، پس، تا، چون، چه، خواه، زیرا، که، لیکن، نه، نیز، و، ولی، هم، و یا.

حرف های مرکب مجموعه ای از دو یا چند کلمه هستند که معمولاً یکی از آنها حرف ربط یا حرف اضافه ساده است و کلاً علاوه بر اینکه کار حرف ربط ساده را انجام می دهند، وظیفه قیدی هم در جمله ایفا می کند، به عبارت دیگر، بسیاری از حرف های ربط مرکب هم کار حرف ربط ساده را می کنند و هم کار قید را (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۵۹). مانند:

همین که کاغذ و قلم را از روی میز برداشتم، شروع به نوشتن کردم.

(همین که) در اینجا علاوه بر اینکه جمله (کاغذ و قلم را از روی میز برداشتم) را پیرو و مربوط به جمله (شروع به نوشتن کردم) کرده، جانشین قید زمان هم هست و از جهت معنایی به جای (همین که) می توان یک ربط ساده و یک قید گذاشت، مثلاً بجای مثال بالا می توان بگوییم:

کاغذ و قلم را از روی میز برداشتم / و / در همان لحظه / شروع به نوشتن کردم.

مهمترین حروف ربط مرکب عبارتند از: به محض این که، همین که، به مجرد اینکه، درست وقتی که، درست زمانی که، فوراً بعد از این که، هر وقت که، قبل از اینکه، بعد از اینکه، بدون این که، به جای این که، عوض این که، به عوض این که، برای این که، با هدف این که، در جهت این که، به منظور این که، به خاطر این که، اضافه بر این که، علاوه بر این که، گذشته از این که، گذشته از این، نه تنها... بلکه، در صورت این که، به شرط این که، به شرط آن که، به شرطی که، چنانچه، مگر این که، با وجود این که، به رغم این که، هر چند که، اگر چه، به جز این که، غیر از این که، آنقدر... که، در حالی که. حال به کاربرد حروف ربط در دسته بندی های حرف ربط ساده و حرف ربط مرکب می پردازیم.

کاربرد حروف ربط ساده :

اگر، و، اما، پس، تا، چون، چه، خواه، زیرا، که، لیکن، نه، نیز، ولی، هم، یا.

۱- اگر: در معنی (چنانچه) و برای شرط به کار می رود: در خانه اگر کس است یک حرف بس است (دهخدا، ۱۳۹۱، ص. ۷۸۴). گاهی انجام شدن دو کار در جمله وابسته به هم هستند؛ به شکلی که انجام شدن یکی به شرط انجام شدن دیگری است. در این

حالت یک جمله خود شرط است و دیگری جواب شرط. مانند: اگر دولت ترکیه برسیاست چنگ و پاکسازی نژادی پافشاری کند، جنگی سخت در خواهد گرفت (نقی زاده، ۱۳۹۱، ص. ۲۶۱).

در حالت کلی شرط را می توان به دو گروه تقسیم کرد: شرط ممکن و شرط ناممکن. جمله های شرطی که در شرط یا در جواب آن از زمان حال یا آینده استفاده می شود. به این جمله های شرطی، شرط ممکن می گویند. اما جمله های شرطی که هم در شرط و هم در جواب شرط از زمان گذشته استفاده می شود. به این جمله های شرطی، شرط ناممکن می گویند (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۵-۱۶۶).

۲- و: این حرف ربط، ارتباط دو کلمه یا دو جمله یا دو عبارت هم نقش را نشان می دهد (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۵):

الف: حالت فاعلی: علی و پارسا به خانه رفتند. در این جمله علی و پارسا هر دو یک کار را انجام داده اند.

ب: حالت مفعولی: محمد کتاب و دفتر را برد. در این جمله دو مفعول داریم. محمد دو چیز را برده است.

ت: حالت فعلی: سارا غذا پخت و لباس شست. در این جمله سارا دو کار را انجام داده است.

ث: حالت متممی: شما به من و او گفتید.

ر: ارتباط دو جمله: او به بازار رفت و سریع به خانه برگشت.

۳- اما: در معنی (ولی) و (لیکن) و (لیکن) به کار می رود، وزمانی استفاده می کنیم که بخواهیم در باره دو موضوعی صحبت کنیم که مخالف هم هستند. یعنی در باره کاری صحبت می کنیم که بر خلاف کار قبل اتفاق افتاده است، یا در باره موضوعی صحبت می کنیم که می خواهیم توسط آن موضوع قبل را روشن کنیم (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۵). مانند: اگرچه به ظاهر امر، ناکامی مداومی هم داشته اما برد اصلی با او بوده است (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۰). و من سیب دوست دارم، اما انگور دوست ندارم (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۲). و این خانواده اطمینان داشت که پدر به زودی به مناسبت عید، به خانه باز خواهد گشت اما امیدهای آن برای دیدار پدر به سرعت با قطع شدن ارتباط ها و خبرها، از بین رفت (اصغری، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۵).

۴- پس: وقتی که حرف ربط است که به معنی (از این رو) و (در نتیجه) و (بنا بر این) باشد (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۰):

خوش است عمر دریغا که جاودانی نیست پس اعتماد بر این پنج روز فانی نیست
(سعدی)

۵- تا: در جایی که به معنی انتها باشد و با متمم ذکر شود از حروف اضافه باشد
(استاد، ۱۳۶۶، ص. ۲۰۶). مانند:

از امروز تا سال هشتاد و پنج بیالدهش گنج و بکاهدش رنج (فردوسی)
و چون حرف ربط باشد که در موارد زیر به کار رود:

الف: برای بیان غایت به معنی تا اینکه: خیلی تلاش کردم تا او را دیدم.

ب: در آغاز جمله پیرو، برای بیان نتیجه (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۰):

نام نیک رفتگان ضایع مکن تا بماند نام نیکت پایدار (سعدی)

ت: تا در معنی هم زمانی. در این حالت به معنی همین که و به محض اینکه است

(جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۲): تا وارد شدم، لامپ را روشن کردم.

ث: تا به معنی شرط. در این حالت این حرف ربط به جای اگر می آید و شرط را

می رساند (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۰):

صحبت وصل می کنی، هستی من گرو بری می شوی این مبادله تا ندهی نمی دهم

ح: عاقبت و فرجام (استاد، ۱۳۶۶، ص. ۲۰۷):

تا ببینم سر انجام چه خواهد بودن تا ببینم که از غیبت چه آید بظهور

خ: مرادف (چندانکه) و (هرقدر) (استاد، ۱۳۶۶، ص. ۲۰۷-۲۰۸):

مزن تا توانی بر آبرو گره که دشمن اگر چه زیون دوست به (سعدی)

ج: دوام و استمرار (استاد، ۱۳۶۶، ص. ۲۰۸):

تا سال و ماه و روز و شب است اندرین جهان

فرخنده باد روز و شب و سال و ماه تو (فرخی)

خ: به معنی زنهار (استاد، ۱۳۶۶، ص. ۲۰۸):

ز صاحب غرض تا سخن نشنوی که گر کار بندی پشیمان شوی (سعدی)

۶- چون: وقتی حرف ربط است، در موارد زیر به کار رود (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۱):

الف: به معنی (هرگاه)، و (اگر) مانند: چون شما بیایید من هم می آیم.

ب: برای بیان علت و سبب به معنی (به علت اینکه) و (به جهت اینکه) مانند: چون اکثریت حاصل نشد، جلسه را تعطیل کردند.

ت: به معنی (وقتی که)، و (همین که) مانند: چون به خانه آمدم، دیدم مهمان رسیده است.

۷- چه : وقتی که دو جمله را به هم پیوند دهد و به معنی (زیرا) باشد، حرف ربط است و (چه) ی تعلیل نامیده می شود. مانند: ای فرزند هنرآموز، چه بی هنر همه جا خوار است (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۱).

و اگر به معنی (خواه) باشد (چه) ی تسویه نامیده می شود، در این صورت معمولاً تکرار می شود. مانند: چه دنیا پس مرگ من چه دریا چه سراب (دهخدا، ۱۳۹۱، ص. ۸۲۸).

این حرف ربط معمولاً دو تایی استفاده می شود و برابری دو اتفاقی را که افتاده اند، نشان می دهد. معمولاً فعل هایی که در دو طرف این جمله ها می آیند، با حال التزامی نوشته می شوند، اما زمان های دیگر نیز بر اساس موضوع و جمله های اولیه ممکن هستند، مانند:

من چه درس بخوانم، چه درس نخوانم، موفق نمی شوم (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۱).
در صورتی که به معنی (چقدر) و (بسیار) باشد از قیود است (استاد، ۱۳۶۶، ص. ۲۰۹):

چه خوش باشد که بعد از انتظاری به امیدی رسد امیدواری

اگر به معنی چیز باشد موصول است و چون پرسش را برساند از ادوات استفهام است (استاد، ۱۳۶۶، ص. ۲۱۰).

۸- خواه : وقتی حرف ربط است که به معنی (چه) و مانند آن برای تسویه باشد و به طور مکرر به کار رود، مانند (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۲):
من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال (سعدی)

۹- که : در صورتی که حرف ربط و پیوند باشد بحسب مقام در معانی گوناگون به کار می رود از قبیل (استاد، ۱۳۶۶، ص. ۲۰۸-۲۰۹):

الف: سببیت و تعلیل: ای فرزند راستگو باش که راستی مایه رستگاری است.

ب: تفسیر و تبیین : شنید ستم که هر کوکب جهانی جداگانه زمین و آسمانی است (نظامی)

ت : در مورد مفاجآت و امر ناگهانی: درین سخن بودیم که دو هندو از پس سنگی سر بر آوردند. گلستان

ث: به معنی (اگر): بنده گنهگار چه کند که توبه نکند، چه کند بنده که گردن نهد فرمان را

ح: به معنی بلکه:

نه بلبل بر گلش تسبیح خوانی است که هر خاری به تسبیحش زبانی است
(سعدی)

خ: به معنی (از) متمم صفت تفضیلی: به سختی مردن به که بار منت دو نان بردن.

ج: در موقع دعا:

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد که رحمت بر آن تربت پاک باد (فردوسی)
این حرف وقتی که دو جمله را به هم پیوند می دهد، به آن (که موصولی) می گویند،
مانند: خانه ای که فروختیم، مال پدر بزرگم بود.

شاید بجا چند نکته در باره (که موصولی) ذکر می کنیم (جعفری، ۱۳۹۰، ص.

۱۵۹):

۱- در جمله هایی که بوسیله حرف ربط (که) به هم وصل می شوند، اسم یا عبارتی که
همراه این حرف ربط می آید، در جمله بعدی در باره آن توضیح داده می شود. مانند:
پرنده ای را که دوست داشتم، خریدم.

۲- معمولاً اگر اسمی که قبل از (که) می آید، اسم شناخته و جزئی از کل
باشد، همراه (ی) نوشته می شود. به این (ی)، (ی) موصولی می گویند. مانند: خانه ای را که
دوست داشتم، خریدم.

اینجا باید توجه کنیم که در موارد زیر اسمی که قبل از (که) موصولی همراه (ی)

نوشته نمی شود:

الف: اسم جنس: درخت که برای طبیعت مفید است، زیبا هم هست.

ب: ضمیر: او که آدرس را بلد نبود، از من آدرس را پرسید.

ت: وقتی که اسم همراه صفت اشاره باشد: این کیف که انجاست، چرمی است.

ث: اسم خاص: شهر ری که از شهرهای قدیمی ایران است، در جنوب تهران قرار دارد.

ح: ترکیب اضافی: خانه دوستم که در شهر دیگری است، خیلی زیباست.

که برای گفتن نتیجه و هدف کاری استفاده می شود. در این حالت به معنی برای این که
است. و معمولاً فعل بعد از آن به زمان حال التزامی نوشته می شود مانند (جعفری،
۱۳۹۰، ص. ۱۵۹):

بچه ها به پارک رفتند که بازی کنند.

اگر اسمی که همراه (که موصولی) است، مفعول جمله و فعل جمله بعدی متعدی باشد، اسم
همراه (را) نوشته می شود (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۰). مانند: شهری را که خیلی دوست
داشتم، ترک کردم.

در بعضی از موارد (که) علاوه بر ربط، ناظر به عمل دیگر نیز هست و آن این است که می توان با حذف آن، جمله ما بعد را به مفرد (مصدر یا صفت) - مفرد در اینجا یعنی غیر جمله؛ (شما نخواهید رفت) جمله است و (نرفتن شما) مفرد - تبدیل کرد و جزئی از جمله پایه قرار داد. (که) را در این مورد حرف ربط تاویلی نامیده اند (خیام پور، ۱۳۶۶، ص. ۷۹). مانند: می دانستم که شما نخواهید رفت. یعنی (نرفتن شما) را می دانستم، جمله (شما نخواهید رفت) به (نرفتن شما) تأویل می شود که برای جمله پیشین مفعول قرار می گیرد.

۱۰- زیرا: این حرف برای گفتن دلیل و علت چیزی استفاده می شود و به معنی (از این جهت که) و (به این سبب که) بکار می رود (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۷). مانند: ا.ث. میلان امیدوار است اولین پیروزی خود در ورزشگاه خانگی را در فصل جاری به دست آورد. زیرا این تیم تاکنون در خانه چهار مساوی و در باخت داشته است (اصغری، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۴).

یا : با کوه گویم آنچه از او پر شود دلم پیرا جواب گفته من نیست جز صدا (مسعود سعد سلمان)

۱۱- لیکن : از این حرف زمانی استفاده می کنیم که بخواهیم در باره دو موضوعی صحبت کنیم که مخالف هم هستند. یعنی در باره کاری صحبت می کنیم که بر خلاف کار قبل اتفاق افتاده است، یا در باره موضوعی صحبت می کنیم که می خواهیم توسط آن موضوع قبل را روشن کنیم (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۲). و نیز برای استدرک و بازیافت به معنی (اما) به کار می رود (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۲).

صورت های دیگری (لیکن) عبارتند از: (لیک، ولیکن، ولیکن، لکن، و ولی):
گفتنی جسم او را در گوری مدفون ساخته اند، لیکن گورها هرگز نتوانسته اند فکرها را در خود مدفون سازند. ۹ گاندی ۸۸۷، ص ۲۳۱).

من سیب دوست دارم، اما انگور دوست ندارم. (در این جمله دو موضوع دوست داشتن و دوست نداشتن میوه ها بر خلاف هم هستند).

امیر آمد، ولی حسین با او نبود. (در این دو جمله وقتی در باره نبودن حسین با امیر صحبت می کنیم می خواهیم این موضوع را روشن تر کنیم).

نمی کنم گله ای، لیک ابر رحمت دوست به کشتار جگرشنگان نداد نمی (حافظ)
بگفتا من گلی نا چیز بودم ولیکن مدتی با غسل نشستم (سعدی)

۱۲- هم و نیز: از این دو حرف ربط، زمانی استفاده می‌کنیم که بخواهیم در بارهٔ دو موضوعی صحبت کنیم که هر دو به طور مشترک اتفاق افتاده اند مانند: علی کتاب خواند، محمد هم کتاب خواند.

گاهی برای تاکید در بارهٔ موضوعی از حرف ربط دو قسمتی (هم...هم) استفاده می‌کنیم، و در این حالت اجزای مشترک نوشته نمی‌شوند و اجزای غیر مشترک نوشته می‌شوند مانند: من هم کار می‌کردم هم درس می‌خواندم. و من هم کتاب می‌خواندم، هم روزنامه (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۸-۱۳۹).

۱۳- یا: این حرف ربط در موارد زیر به کار می‌رود (انوری & کیوی، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۶):

الف: برای تسویه و تخییر، یعنی وقتی که دو یا چند امر با هم مساوی باشند و قرار بر اختیار یکی از آن‌ها باشند مانند: احمد یا حسین یکی بیاید.

ب: همراه با دو جمله که به (شرط) تأویل می‌شود مانند: یا بنشین یا برو. در این حالت اگر فعل دو جمله مشترک باشد، فعل را تکرار نمی‌کنیم، ولی اگر فعل دو جمله مشترک نباشد فعل را تکرار می‌شود مانند: یا کتاب را بخوانید یا روزنامه (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۴).

تقسیم بندی حرف های ربط مرکب بر اساس معنی و کاربرد:

اول: حرف های ربط زمانی: وقتی دو عمل هم زمان با هم یا با فاصلهٔ چند لحظه از هم انجام بگیرد، از این حروف استفاده می‌شود. چون این حروف نشان دهندهٔ هم زمانی هستند. مهمترین و کاربردترین این حروف:

۱- به محض این که، همین که، به مجرد اینکه، درست وقتی که، درست زمانی که، فوراً بعد از این که، بنا بر این زمان جمله های پایه و پیرو هم معمولاً یکسان است و گاهی هم از حال التزامی استفاده می‌شود (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۱). مانند:

به محض این که گواهینامه اش را گرفت، رانندگی را شروع کرد. (هم زمانی در گذشته).

به محض اینکه گواهینامه اش را بگیرد، رانندگی را شروع می‌کند. (هم زمانی در آینده).

امروزه به محض این که بچه ای در خانواده ای متولد می‌شود، خانواده ها به فکر تربیت و تحصیل او هستند. معمولاً قبل از رفتن به مدرسه بچه ها در خانواده و مهد کودک ها آموزش می‌بینند. همچنین بعد از این که بچه ها به مدرسه بروند، باز در کنار درس و مدرسه در کلاس های مختلف آموزشی ثبت نام می‌کنند. بیشتر خانواده ها به محض تعطیل شدن به فکر پرکردن اوقات فراغت بچه ها هستند (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۰).

۲- قبل از این که، قبل از آن که: وقتی از این حرف ربط مرکب استفاده می کنیم، فعل بعد از آن به زمان حال التزامی نوشته می شود. مانند: دیشب قبل از این که/قبل از آن که/په سینما برویم، کمی در پارک قدم زدیم.

۳- بعد از این که، بعد از آن که، پس از این که، پس از آن که: وقتی از این حروف ربط مرکب استفاده می کنیم، ممکن است فعل بعد از آن به دو شکل نوشته می شود: الف) اگر فعل جمله پایه به زمان حال اخباری یا آینده باشد، فعل جمله پیرو به زمان حال التزامی یا گذشته ساده نوشته می شود. مانند:

بعد از این که به دانشگاه بروم، در رشته هنر درس می خوانم.
بعد از این که به دانشگاه رفتم، در رشته هنر درس خواهم خواند
ب) اگر فعل جمله پایه به زمان گذشته باشد، فعل جمله پیرو هم به زمان گذشته نوشته می شود:

بعد از این که سیگار را ترک کرد، حالش خوب شد.

دوم: حروف ربط سلبی: بدون این که: این حرف ربط مرکب نشان دهنده سلب چیزی با موضوعی است. فعل بعد از حرف ربط بدون این که معمولاً به زمان حال التزامی نوشته می شود: او بدون این که در غذا نمک بریزد، غذا درست کرد (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۵).

سوم: حروف ربط جانشینی: به عوض این که، در عوض این که، به جای این که: این حروف ربط مرکب نشان دهنده جانشین شدن کسی، چیزی یا کاری به جای دیگری است. در جمله هایی که با این حروف ربط نوشته می شود، معمولاً فعل جمله پیرو به زمان حال التزامی نوشته می شود. مانند: شهرداری به جای این که فروشگاه قدیمی را خراب کند، فروشگاه جدید را در جای دیگر ساخت.

چهارم: حروف ربط علت: به علت این که، به خاطر این که، برای این که، در نتیجه این که، بنا بر این، از این رو، به همین دلیل: این حروف ربط مرکب علت انجام شدن کاری را نشان می دهند (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۶). مانند: پروتئین و مواد چربی موجود در ماهی ها هم برای سلامتی بسیار مفید هستند. به همین دلیل هم مردم، مخصوصاً بچه ها و افراد پیر باید از ماهی ها و محصولات دریایی بیشتر استفاده کنند.

پنجم: حروف ربط هدف: برای این که، به خاطر این که، به منظور این که، با هدف این که، در جهت این که: این حروف ربط مرکب هدف از انجام شدن کاری را نشان می دهند. فعل بد از این حروف ربط در جمله پیرو، معمولاً به حال التزامی نوشته می شود (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۸). مانند:

فروشگاه های بزرگ این شهر در همه روزهای سال شلوغ بودند. شهرداری به منظور این که فروشگاه های بزرگتری در شهر وجود داشته باشند، تصمیم گرفت یک سری فروشگاه زنجیره ای بسازد.

ششم: حروف ربط افزایش: اضافه بر این که، علاوه بر این که، گذشته از این که، گذشته از این، به جز این که، غیر از این که، نه تنها... بلکه - هم... هم... - از یک طرف...، از طرف دیگر - از یک سو...، از سوی دیگر...، این حروف نشان دهنده انجام شدن کاری بیشتر از کارهای دیگر است. مانند: بهترین داستانی که در دوران بچگی خوانده ام به خوبی یادم است. داستان پسر بچه ای که با پدرش زندگی می کرد و ماجراهای جالبی با پدرش داشت. پدر علاوه بر این که در بیرون خانه کار می کرد، خودش به تنهایی همه کارهای خانه را انجام می داد. پدر غیر از این که خیلی جدی بود، سعی می کرد با پسرش مهربان و صمیمی هم باشد.

هشتم: حروف ربط شرطی: در صورت این که، به شرط این که، به شرط آن که، به شرطی که، چنانچه، این حروف ربط مرکب، معنی شرط دارند. بنا بر این همه این حروف ربط مرکب می توانند با حرف ربط (اگر) جایگزین بشوند و قانون جمله های شرطی را داشته باشند (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۲). مانند: چنانچه مشکلات شرکت زیاد شود، مشکلات ما هم زیاد می شود.

گاهی نویسندگان، واژه (چنانچه) و واژه (چنان که) را به اشتباه، جای یکدیگر به کار می برند؛ در حالی که واژه اول به معنای (اگر) و واژه دوم به معنای (همان طور که) است (نقی زاده، ۱۳۹۱، ص. ۹۸). مانند: چنان که درس بخوانی، موفق میشوی. (غلط). چنانچه درس بخوانی، موفق میشوی. (نقی زاده، ۱۳۹۱، ص. ۹۸). مانند: چنان که درس بخوانی، موفق میشوی. (غلط). چنانچه درس بخوانی، موفق میشوی. (درست).

مگر این که هم یکی از حروف ربط شرط است. و این حرف معمولاً دو قسمتی است: مگر این که... در غیر این صورت. بعد از این حرف فعل به زمان (حال التزامی) نوشته می شود و مفهوم قسمت دوم برعکس قسمت اول است (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۴). مانند: مگر این که به موقع حرکت کنید، در غیر این صورت به قطار نمی رسید.

نهم: حرف ربط تقابل: با وجود این که، به رغم این که، هرچند که، با این که، با این حال، بر خلاف این که، اگر چه. این حروف ربط مرکب، همگی نشان دهنده این است که کاری بر خلاف حالت عادی و طبیعی اش انجام شود. همه این حروف می توانند به شکل

دو قسمتی هم نوشته شوند؛ یعنی در قسمت دوم آنها می توان از حرف ربط (اما) استفاده کرد، مانند: اگرچه... اما (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۵).

با وجود این که ساعت اداری تمام شده است. آنها هنوز دارند کار می کنند.
حرف ربط مرکب (در حالی که) گاه به معنی تقابل و گاه به معنی هم زمانی استفاده می شود (جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۷-۱۸۸). مانند:

سارا به همه دوستانش کمک می کرد، در حالی که کسی از او تشکر نمی کرد. (تقابل)
سارا در حالی که به موسیقی گوش می داد، کار هم می کرد. (هم زمانی).
من برای واداشتن شما به راه های حق، که در میان جاده ها همراه کننده بود، به پا خاستم، در حالی که سرگردان بودید و راهنمایی نداشتید (بن ابی طالب، ۱۳۸۶، صفحه ۱۲).

دهم : حروف ربط استثنا: به جز این که، به غیر از این که: برنامه های این شبکه تلویزیونی به جز این که وقت مردم را بگیرد، فایده دیگری ندارد.
یا: خوردن این داروها به غیر از این که بیماری شما را بدتر کند، اثر دیگری ندارد.

نتیجه گیری

۱- حروف کلماتی هستند که خود به خود معنی مستقلی ندارد، اما برای پیوستن اجزای یک جمله به یکدیگر یا نسبت دادن و اضافه کلمه ای به جمله، یا ربط دادن دو جمله به یکدیگر بکار روند.

۲- حروف را به چهار دسته می توان تقسیم کرد، حروف نشانه، حروف اضافه، اصوات و حروف ربط.

۳- حروف نشانه: به کلماتی می گوئیم که برای تعیین مقام کلمه در ساختمان جمله به کار می روند. حرف های نشانه عبارتند از: را، ای، یا، کسره اضافه.

۴- حروف اضافه: کلماتی هستند که معنی مستقل ندارند؛ اما کلمه یا عبارتی را به یکی از اجزای جمله می پیوندند، و عبارت، یا کلمه ای را که اسم یا ضمیر است، متمم اسم یا صفت یا فعل قرار می دهند. حرف اضافه بیشتر برای ساختن متمم فعل به کار می رود. و آن ها از نظر ساختمان به دو شکل است: ساده و مرکب.

۵- اصوات: دسته از حروف برای بیان حالت روحی گوینده. مانند: تحسین، شادی، تعجب، افسوس، درد و قصد بر حذر داشتن، و ماننده آنها بکار می روند.

۶- حروف ربط: از اهمیت زیادی در زبان فارسی برخوردار هستند. از این جهت توجه زبانداران و پژوهشگران به خود جلب کرده است. و تعاریف زیادی برای توضیح آن ارائه داده اند، از جمله آنهاست: حرف ربط کلمه ای است که دو کلمه یا دو جمله یا دو عبارت را به

هم پیوند می دهد و رابطه شرطی، زمانی، تقابلی و ... آنها را نشان می دهد. و حرف ربط یا پیوند، کلمه ای است که دو کلمه همگون یا دو عبارت یا دو جمله را به هم می پیوندد و آن ها را همپایه و هم نقش می سازد و یا جمله ای را به جمله دیگر می پیوندد و دومی را وابسته اولی قرار می دهد.

۷- حروف ربط از نظر جایگاه و نقشی که در جمله دارند، میتوان به دو دسته حروف ربط وابسته و حروف ربط همپایه تقسیم کرد. حروف ربط وابسته در جمله های مرکبی می آیند که شامل دو قسمت پایه و پیرو هستند و این حروف در ابتدای جمله پیرو می آیند. حروف ربط هم پایه در جمله هایی می آیند که از دو جمله مستقل تشکیل شده اند.

۸- حروف ربط از نظر ساختمان به دو گروه تقسیم می شوند: حروف ربط ساده و حروف ربط مرکب. حروف ربط ساده دسته ای از حروف یا کلمات که دو کلمه یا دو جمله را به هم ربط می دهد و مشهورترین حروف ربط ساده عبارتند از: اگر، اما، باری، پس، تا، چون، چه، خواه، زیرا، که، لیکن، نه، نیز، و، ولی، هم و یا.

۹- حرف های ربط مرکب مجموعه ای از دو یا چند کلمه هستند که دو کلمه همگون یا دو عبارت یا دو جمله را به هم می پیوندد و آن ها را همپایه و هم نقش می سازد و یا جمله ای را به جمله دیگر می پیوندد و دومی را وابسته اولی قرار می دهد. و معمولاً یکی از آنها حرف ربط یا حرف اضافه ساده است و کلاً علاوه بر اینکه کار حرف ربط ساده را انجام می دهند، وظیفه قیدی هم در جمله ایفا می کند، به عبارت دیگر، بسیاری از حرف های ربط مرکب هم کار حرف ربط ساده را می کنند و هم کار قید را. و مهمترین حروف ربط مرکب عبارتند از: به محض این که، همین که، به مجرد اینکه، درست وقتی که، درست زمانی که، فوراً بعد از این که، هر وقت که، قبل از این که، بعد از این که، بدون این که، به جای این که، عوض این که، به عوض این که، برای این که، با هدف این که، در جهت این که، به منظور این که، به خاطر این که، اضافه بر این که، علاوه بر این که، گذشته از این که، گذشته از این، نه تنها... بلکه، در صورت این که، به شرط این که، به شرط آن که، به شرطی که، چنانچه، مگر این که، با وجود این که، به رغم این که، هر چند که، اگر چه، به جز این که، غیر از این که، آنقدر... که، در حالی که.

۱۰- اگر حروف ربط را طبق معنی و کاربردشان طبقه بندی کنیم، معانی و کاربردهای زیادی ایفا می کنند، از جمله آنها: حروف ربط زمانی، حروف ربط سلبی، حروف ربط جانشینی، حروف ربط علت، حروف ربط هدف، حروف ربط افزایش، حروف ربط شرط، حروف ربط تقابل و حروف ربط استثنا است.

- ۱۱- برخی از حروف ربط مرکب دو معنی و کاربرد ایفا می کنند. مانند حرف (در حالی که) که گاه به معنی تقابل و گاه به معنی هم زمانی استفاده می شود.
- ۱۲- بعضی از حروف ربط مرکب و ساده به جای هم می آیند و دقیقاً جانشین هم شوند. مانند: پس، بنابراین و در نتیجه.

منابع و مأخذ

- اصغری، ج. (۱۳۹۳). *رهیافتی نو بر ترجمه از زبان عربی (جلد چاپ دوم)*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- انوری، ح.، & کیوی، ح. ا. (۱۳۹۳). *دستور زبان فارسی ۲ (جلد ۴)*. تهران: انتشارات فاطمی.
- استاد، پ. (۱۳۶۶). *دستور زبان فارسی (جلد چاپ چهارم)*. تهران: سازمان انتشارات شرقی.
- جعفری، ف. (۱۳۹۰). *دستور کاربردی ویژه زبان آموزان غیر فارسی زبان (جلد چاپ اول)*. تهران: مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی: دانشگاه تهران، موسسه لغتنامه دهخدا.
- خانلری، پ. ن. (۱۳۸۶). *دستور زبان فارسی (جلد چاپ بیست و یکم)*. تهران: انتشارات توس.
- خیام پور، ع. ا. (۱۳۶۶). *دستور زبان فارسی (جلد چاپ دوم)*. تهران: ستوده.
- دهخدا، ع. ا. (۱۳۹۱). *لغتنامه دهخدا (جلد چاپ بیستم)*. تهران: امیر کبیر.
- علی بن ابی طالب. (۱۳۸۶). *نهج البلاغه گرد آوری شریف رضی (المجلد چاپ بیست و هفتم)*. (سید جعفر شهیدی، مترجمون) تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ناظمیان، ر. (۱۳۸۹). *روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی (با اضافات و اصلاحات) (جلد چاپ پنجم)*. تهران: سمت.
- نقی زاده، س. ع. (۱۳۹۱). *کارگاه ترجمه عربی به فارسی همراه بانکات نگارشی ویرایشی (جلد چاپ اول)*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

Persian Socket

- Asghari, Javad, Rahiafty No Bar Tarjmah Az Zaban Arabi, Jihad Daneshgahi Publications, Tehran Branch, 2014, Second Edition.
- Anvari and Hassan Ahmad Kiwi: Duster Zaban Farsi 2, Fatemi Publications, Fourth Edition, Fourth Edition: 2014.
- uestsd, Duster zaban farsi, Shargh Publishing Organization, Tehran, Cham-1966 edition.
- Jafari, Fatemeh, Duster Carburdy Vesha Zaban Amuzan Caire farsi zaban , Tehran, International Center for Persian Language Teaching:

University of Tehran, Dekhoda-1390 Dictionary Institute, Volume 1, First Edition.

- Khanlari, Parviznatel, Duster Zaban Farsi, Toos Publications, Tehran, 21st Edition, 2007.

- Khayyampour, Abdul Rasool, Duster Zaban Farsi, Sotoudeh, Second Edition.

- Dekhoda, Ali Akbar, Lujatnama, Volume 2, 20th Edition, 2012, Amir Kabir.

- Ali Ibn Abi Talib: Nahj al-Balaghah: Sharif Razi: Translator of Seyyed Jafar Shahidi, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company, 27th Edition, 2007, Sermon 4.

- Nazemian, Reza, Ravesha Dar Tarjmah Az Arabi Bi Farsi Samat, Tehran, 2010, fifth edition.

- Naghizadeh, Seyed Ali, Cargah Tarjmah Arabi Bi Farsi , Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications, Qom, 2012, first edition.

**Function Word Meaning, Uses, and Significance in Persian:
Conjunctions as an Example**

Ins. Mahdi Ahmed Hussein Al Tai (M.A.)
University of Diyala, President Office
malzawy948@gmail.com

Abstract

Often Persian sentences do not end with a full stop. Rather, it is linked with other sentences with a word or a letter. In other words, it can be said that after completing the complete sentence and completing the meanings of the basic and subsequent sentences, the Persian sentence may be linked to the following sentence using one of the conjunctions. Conjunctions have a significant impact on the Persian language in terms of showing the meaning of the sentence, and interpreting the text; scientific research that has been written in this field has gained great importance.

From here, the researcher has been working to sharpen his interest and make every effort to clarify what these conjunctions are, and use them in the Persian language; Based on what is stated in the Persian grammar books, and other relevant sources on this topic. The research included two main sections; the first: an overview of the types of articles, their definition, and an indication of their importance in the Persian language. As for the second, it was about conjunctions, and explaining their meanings and uses in the Persian language.

Among the results of the research, the articles in Persian are divided into four groups; the first: letters of significance, second: letters of addition, and the third: sounds, and the fourth: conjunctions.

There is no doubt that many definitions have been written to indicate the nature and uses of conjunctions; Among them: is a word used to connect two words, or two sentences, or two phrases with each other, and to indicate the type of relationship between them; Whether it is a conditional, temporal, or opposite relationship. Conjunctions in Persian are divided according to their meaning and uses over several groups. They are: temporal linking, passive linking, reciprocal linkage, causal linkage, target linkage, incremental linkage, conditional linking, crossover linking, and exceptional linking.

Key words: Meaning, Uses, ,letters, Persian language, Conjunctions.